

حزب اله اتمی

اصرا و تلاش جمهوری اسلامی برای کسب تکنولوژی هسته ای به گفته رهبران جمهوری اسلامی برای تولید برق، و بنابر دریافت کشورهای غربی برای دست یافتن به بمب اتمی، کشمکش است که سالهاست ادامه دارد و بنظر میرسد به مرحله نهائی خود نزدیک شده است. دور احتمالا نهائی مذاکرات بین جمهوری اسلامی و سه کشور اروپائی انگلیس، آلمان و فرانسه که آمریکا را بطور غیره رسمی نمایندگی میکنند براساس دو موضع متضاد، یکی جمهوری اسلامی که میخواهد آزاد باشد تا تمام مراحل تکنولوژی هسته ای را کسب کند و دیگری غرب که میخواهد جمهوری اسلامی از توسعه تکنولوژی هسته ای دست بکشد، بزودی آغاز خواهد شد. از آنجا که برای جمهوری اسلامی دیگر امکان ندارد کسب تکنولوژی هسته ای را مخفیانه ادامه دهد دو راه در مقابل خود دارد. یکی اینکه، غرب را قانع کند که واقعا هدف های صلح جویانه از دنبال کردن تکنولوژی هسته ای دارد که تا بحال ثابت شده است که غرب اعتمادی به جمهوری اسلامی ندارد و خطر اعتماد به جمهوری اسلامی اتمی را نخواهد کرد. دوم اینکه، آشکارا و بی توجه به موضع غرب به توسعه تکنولوژی هسته ای خود را ادامه دهد و با خطر تحریم اقتصادی و ممنوعیت صادرات و واردات روبرو شود. هر دو این انتخاب ها برای جمهوری اسلامی اولی بخاطر طبیعت آن غیره ممکن است و دومی ریاضت ملی ایرانیان را بدنبال خواهد داشت که پذیرفته اند جمهوری اسلامی کشورشان را نمایندگی کند و از جهت دیگر رژیم حزب اله را متزلزل خواهد کرد. دو انتخاب دیگر برای جمهوری اسلامی وجود دارد: اولی اینکه اراده غرب را در مورد حزب اله و تکنولوژی هسته ای بپذیرد و دست از بیمه اتمی برای جاودانگی و توسعه جغرافیائی خود بردارد که باز این با طبیعت رژیم همساز نیست. راه دیگر ادامه مذاکرات و کش دادن آن است و در عین حال تا آنجا که امکان دارد مخفیانه به توسعه تکنولوژی هسته ای خود ادامه دهد، تا ریاست جمهوری بوش تمام شود و همینطور بروی انتخاب شدن رئیس جمهوری ببحرکت و بیحال شرط بندی کند که در آن صورت بتواند آزادانه تکنولوژی هسته ای خود را کسب کند. این انتخاب هر چند طولانی به نظر میرسد اما با سیاست دراز مدت اسلامی هماهنگی دارد که سابقه تاریخی زیادی مانند آن وجود دارد.

نخبگان ایران که بیشتر در میان مخالفان جمهوری اسلامی و کمتر پشتیبانان آن هستند در گرفتن موضع روشن و درست در این جدال رژیم اسلامی و غرب دچار دودلی شده اند و همچنین زیر پوشش غرور و منافع ملی بدام پشتیبانی از رژیم اسلامی برای دست یافتن به تکنولوژی هسته ای افتاده اند. هر ایرانی باید یک سؤال روشن را از خود بپرسد و آن این است که آیا به رژیم اسلامی با بمب اتمی میتواند اعتماد بکند یا نه؟ برای مردم ایران که در دوران رژیم اسلامی دچار مشکلات بیشماری شده اند که نتیجه مستقیم سیاست های داخلی و خارجی رژیم است مشکل میتواند جواب این سؤال مثبت باشد. باید به تاریخ بیش از یک چهارم قرن جمهوری اسلامی توجه کرد که عبارتند از: 1 - اشغال سفارت آمریکا و به گروگان گرفتن کارکنان آن که در دنیای جدید چنین قانون شکنی جهانی سابقه نداشته است. 2 - فراهم کردن زمینه نظامی و سیاسی جنگ ایران و عراق و مسئول بردار کشیده شدن جنگ بودن. 3 - سرمایه گذاری روی حزب اله لبنان و تبدیل کردن آن به یک نیروی موثر تروریستی در جنگ با اسرائیل و دولت لبنان.

4 - سرمایه گذاری و تشکیل نیروهای مذهبی مسلح برای جلوگیری از صلح بین فلسطینی ها و اسرائیل. تمام این اقدامات رژیم حزب الهی مردم ایران را در مرکز خطرات سیاسی، اقتصادی و نظامی قرار داده است. مخالفان جمهوری اسلامی علاقمندند حساب مردم ایران را از رژیم آن جدا کنند اما واقعیت این است که این رژیم نیروی خود را از ایران و مردم آن بیرون میکشد و ایرانیان در نهایت مسئول رفتار رژیم اسلامی هستند. بنابراین جمهوری اسلامی در صورت داشتن بمب اتمی از روحیه مهاجم و جسارت بیشتری در خاور میانه و جهان برخوردار خواهد شد. بمب اتمی چتر امنیتی برای رژیم اسلامی فراهم خواهد کرد که در سایه آن به اقدامات تجاوز کارانه نسبت به همسایگان خود با توجیه های مذهبی دست خواهد زد. و اشتباهی توسعه طلبی فاشیسم اسلامی حزب اله دیر یا زود آنها را در مقابل غرب قرار خواهد داد. برای حزب اله مردم ایران وسیله ای هستند که حزب اله را به هدفها یش نزدیک میکنند و هر آسیبی به هر اندازه که مردم در این راه بخورند برای حزب اله قابل قبول است. بنابراین اندیشمندان سیاسی وظیفه دارند که پرده از اهداف دراز مدت رژیم اسلامی برای دست یافتن به تکنولوژی هسته ای بردارند و نگذارند زیر پوشش ملی گرائی مردم یک بار دیگر فریب حزب اله را بخورند.

آمریکا از روز اول تولد رژیم اسلامی همواره از این رژیم آسیب دیده است و دشمنی جمهوری اسلامی را با خود فوق العاده جدی میگيرد و تردیدی ندارد که هدف آن از دست یافتن به تکنولوژی هسته ای به منظور نظامی است.

بنابراین آمریکا ترجیح میدهد با رژیم اسلامی پیش از دست یافتن آن به بمب اتمی وارد جنگ شود تا بعد از اتمی شدن حزب اله. وقتی که رژیم اسلامی مسلح به بمب اتمی دست به توسعه طلبی های بیشتری زده است. جنگ جمهوری اسلامی و آمریکا بین این دو نیرو محدود میشود. مخالفان جمهوری اسلامی علاقمند اند درباره احتمال حمله آمریکا به حزب اله در ایران موضع بگیرند و تصور میکنند مخالفت و یا حمایت از حمله نظامی آمریکا به حزب اله در ایران تاثیری در تصمیم نهائی آمریکا دارد. در صورتیکه آمریکا در یک حالت به رژیم اسلامی در ایران حمله خواهد کرد و آن وقتی است که رژیم اسلامی به تولید مواد اولیه بمب اتمی اقدام کند و سازمان ملل رژیم اسلامی را محکوم کند و آمریکا با متحدان همیشگی خود بر سر این موضع توافق کند. موافقان و مخالفان سرنگونی رژیم اسلامی در مرحله بعد بحساب خواهند آمد. در این میان مخالفان سرنگونی رژیم اسلامی توسط آمریکا که خود را مخالف جمهوری اسلامی هم بحساب میاورند نه تنها در سیاست آمریکا تاثیری ندارند بلکه تنها دلگرمی به حزب اله میدهند تا سیاست های اتمی خود را دنبال کند چون مشاهده میکند حتی دشمنان فراری لز دست حزب اله، شاید حتی برای جان خود، حمله آمریکا به حزب اله را در ایران محکوم میکنند. زیر ادعای آرزومندان عبارت ملت ایران رژیم اسلامی را خود سرنگون خواهد کرد که در 26 سال گذشته اتفاق نیفتاده است و در افق زمانی قابل پیشبینی هم دیده نمیشود. دو نیروی معین سیاسی از جمهوری اسلامی در مقابل حمله آمریکا دفاع میکند همان نیروهائی که در انقلاب اسلامی 57 با حزب اله همکاری کردند تا دولت بختیار را سرنگون کند. حمایت نیروهای کمونیست از رژیم اسلامی در مقابل آمریکا تا حدود زیادی معقول به نظر میرسد چون برای کمونیست ها مبارزه ضد امپریالیستی و در نقطه مقابل آن فرار گرفتن برتری با مخالفت با رژیم اسلامی دارد که جایی در ادبیات کمونیستی ندارد. اما نیروی سیاسی که خود را جبهه ملی مینامد و به اسطوره مصدق ایمان دارد و در ضد غربی بودن در تئوری با کمونیست ها و حزب اله رقابت میکند، حمایتش از حزب اله در مقابل حمله آمریکا کمی نامعقول مینماید. دموکراسی واقعی در ایران در دو دوران تاریخی وجود داشت، یکی در دوران انقلاب مشروطیت تا آغاز دیکتاتوری رضاشاه و دومین دوره دموکراسی در ایران بین شهریور 1320 تا 1332 بود. بدون حمله متفقین در جنگ دوم جهانی به ایران و تبعید رضاشاه این دوران دموکراسی امکان پذیر نبود و در نتیجه اسطوره مصدق و ملی کردن نفت اتفاق نمی افتاد. بنابراین اگر ما فریب کار و یا شارلتان سیاسی نباشیم و درک کنیم که با محکوم کردن شرایط سیاسی که رضا شاه را برکنار کرد و اسطوره ملی کردن نفت و مصدق را امکان پذیر کرد در اصل تحریبه ملی کردن نفت و مصدق را محکوم میکنیم.

نیروی مردمی، پراکنده و نامعلوم دمکرات ایران باید در محکوم کردن حزب اله اتمی ایران با کشورهای اروپائی و آمریکا همصدا شود و هر گونه اقدامات حزب اله را برای کسب نیروی هسته ای محکوم کنند و آشکارا از مواضع غرب در مقابل حزب اله پشتیبانی کنند. این موضع دشمنان واقعی جمهوری اسلامی و دوستان واقعی مردم ایران، از دو جهت مفید است: یکی اینکه غرب مشاهده خواهد کرد که بخشی از ایرانیان بقانونمند بودن ایران در جهان معتقداند و از هر ماجراجویی خطرناک جمهوری اسلامی و در این مورد اتمی زیر پوشش ملی گرائی پشتیبانی نمی کنند. و همینطور به جمهوری اسلامی نشان میدهند دوران فریب خوردن آنها از حزب اله پایان یافته است و زیر پوشش شعار های ملی گرائی که در اصل اسلامگرائی است ساده لوحی سیاسی 57 را تکرار نخواهند کرد. مخالفت واقعی با جمهوری اسلامی در مخالفت با سیاست های اصلی آن است نه در حرافی سیاسی و جزئیات که تاثیر چندانی در ادامه عمر جمهوری اسلامی ندارد که مخالفت با اتمی شدن حزب اله ایران یکی از آنها است. ایرانیان مقیم خارج، به غیر از پیش قراولان حزب اله در اروپا و آمریکا، باید در نظر داشته باشند که رژیم حزب اله آنها را از خانه اشان بیرون کرد و اروپا و آمریکا به آنها خانه داد و حالا حزب اله با برنامه های اتمی خود این خانه جدید آنها را تهدید میکند.

شنبه، 04/06/2005

info@iranpolitics.org

کامبیز باسطوت